ویژه نامه هفتادمین سالگرد تاسیس جمهوری خلق چین

ایران

■ سال بیست‌وپنجم ■ شماره ۷۱۶۳ ■ دوشنبه ■ ۱ مهر ۱۳۹۸

اولین‌های جمهوری خلق چین، شما را با دستاوردهای توسعه جمهوری خلق چین در ۷۰ سال گذشته آشنا می‌سازد.

چین دیروز، امروز، آینده

مجید رضا حریری: چین با استراتژی چین شد نه با معجزه

همراه با یادداشت‌هایی از : رضا الهامی، دکتر مصطفی محمدی

سفیر جمهوری خلق چین در تهران در آستانه جشن هفتاد سالگی این کشور در گفت و گو با روزنامه ایران از برنامه‌های توسعه پکن و روابط دوجانبه با تهران می گوید

مختصات الگوی چینی توسعه

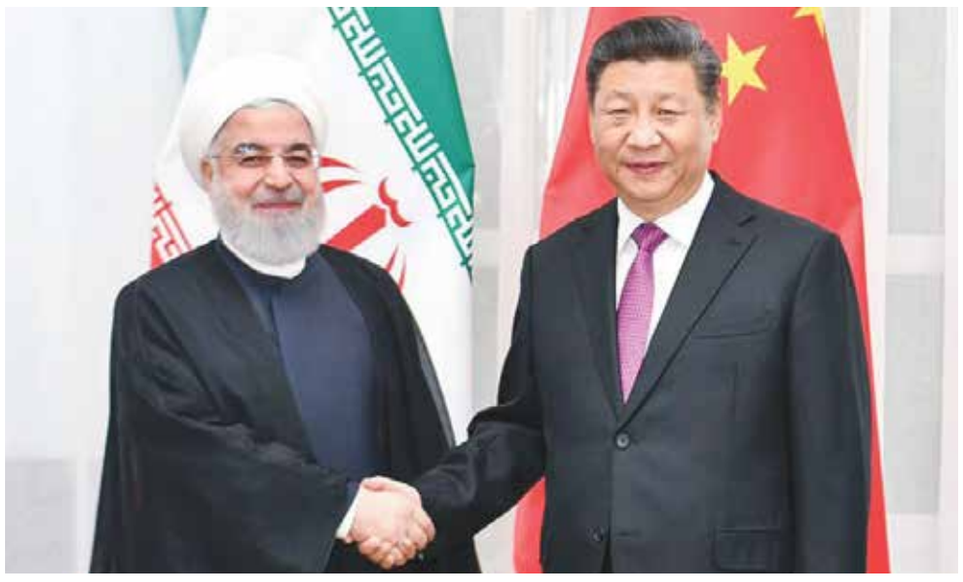

چینی‌ها این روزها هفتادمین سالگرد تأسیس «جمهوری خلق چین» را جشن می گیرند. کشوری که بعد از درخشش در دوران باستان، حالا یکبار دیگر در قرن ۲۱ دوره جدید از شکوفایی و اثبات توانمندی‌های خود را در معرض دید جهانیان گذاشته است. شاید سخنرانی اخیر امانوئل مکرون رئیس جمهوری فرانسه در جمع سفرای این کشور برای تأیید این ادعا که چین امروز به یک قطب غیرقابل انکار در مناسبات بین‌المللی بدل شده، کافی باشد. او در ترسیم آینده مناسبات بین‌المللی تصریح کرد چین توانسته نظم تک قطبی جهان به رهبری غرب اعم از امریکا و اروپا را تحت‌الشعاع قرار دهد. به گفته مکرون، چین و امریکا دو قطب تأثیرگذار در روابط جهانی هستند. اما چین کدام مسیر را از ۷۰ سال پیش تا امروز و بخصوص از ۴۰ سال پیش که اصلاحاتی را زیر نظر حزب کمونیست آغاز کرد، طی کرده تا به نقطه امروزی رسیده و یک قطب بلامنازع قدرت جهانی شده است. برنامه‌های اصلاحی تصمیم سازان در پکن یا آنچه در کشور ما تحت عنوان «الگوی چینی» یاد می‌شود، چه مختصاتی داشته و بر اساس کدام مؤلفه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی استوار بوده است. «چانگ هوا» سفیر چین در ایران در گفت‌وگوی پیش رو به این سؤالات پاسخ می دهد. او به مناسبت هفتادمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین میهمان روزنامه ایران بود. نماینده ارشد پکن در تهران درباره همکاری‌های دوجانبه چین و ایران و عزم مقامات دو کشور برای توسعه روابط هم سخن گفت. او توضیح می دهد که این روابط در کدام حوزه‌ها ظرفیت توسعه را دارند و مقامات دو کشور چه برنامه‌ها و سندهایی را برای توسعه روابط امضا کرده یا در دستور کار دارند. چانگ هوا همچنین به اشتراکات سیاسی بین ایران و چین اشاره و مواضع پکن در حمایت از برجام و مخالفت با تحمیل تحریم‌های امریکا علیه مردم ایران را یادآوری کرد. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می خوانید.

■ ما در حال حاضر شاهد گمانه زنی‌های منفی افکار عمومی کشورهای غربی در مواجهه چین با مباحثی از جمله هنگ کنگ، شین جیانگ، تایوان، حقوق بشر و موارد مشابه هستیم. موضع چین در این موارد چیست؟

طی چند ماه اخیر، معترضین تندرو با عنوان حرکت «ضد تجدیدنظر» اعتراضات رادیکال و خشنی را سازماندهی و انجام داده و به اقدامات خشونت‌آمیز بی‌سابقه‌ای دست زده‌اند که همه ذکر آن را شنیده‌اید، این اقدامات در حال حاضر به‌شکل جنایات خشونت‌آمیز سنگین در حال بروز و ظهور است که به تازگی شکل برخی تحرکات تروریستی را نیز به خود گرفته. این تحرکات در حقیقت به منزله نقض جدی حاکمیت قانون و نظم اجتماعی در منطقه هنگ کنگ است که به‌طور جدی امنیت زندگی اهالی این منطقه را با تهدیداتی جدی مواجه کرده و در واقع چالشی سنگین را متوجه روند شکوفایی و ثبات در این منطقه کرده است که باید بر اساس قانون و به طور قاطعانه با آن برخورد شود.

■ جناب آقای سفیر، من اطلاع دارم که ما در آستانه هفتادمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین قرار داریم، به همین جهت خدمت شما تبریک عرض می کنم! مطابق اطلاعات من، در طول تاریخ، چین همواره کشوری با استقلال کامل و به لحاظ جمعیت و منابع طبیعی از بزرگترین کشورهای جهان به حساب می آمده است؛ اما در قرون اخیر ما شاهد سیر نزولی در این کشور و تبدیل آن به مجموعه غیرصنعتی بودیم. در حال حاضر میزان تولید ناخالص داخلی چین رقمی بالغ بر ۱۳ هزار میلیارد دلار است و در رتبه‌های نخست جهانی قرار دارد. اگر ممکن است لطفاً مسیر اقتصادی چین در هفتادمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین را تشریح کرده و بفرمایید به اعتقاد شما ایران می تواند از تجربیات چین چه درس‌هایی بیاموزد؟

در ابتدا می خواهم از تبریکات شما به مناسبت سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین قدردانی کنم و از این فرصت استفاده کرده و از طریق شما بهترین آرزوهایم را تقدیم ملت بزرگ ایران کنم.

نخستین روز از دهمین ماه میلادی سال جاری، هفتادمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین است. طی این ۷۰ سال، در سایه هدایت حزب کمونیست چین، کشور ما از یک جامعه بسته که در سراشیبی سقوط قرار داشت به سوی درهای باز گرایش پیدا کرد، از رنجی که بواسطه کمبود مواد غذایی و پوشاک گرفته تا مسائل بهداشتی فراگیر شده بود، به سمت جامعه‌ای نسبتاً مرفه و شکوفا گام برداشت و به آفرینش معجزات مکرر در حوزه تاریخ توسعه انسانی آن هم یکی پس از دیگری اقدام کرد. چین از وضعیتی اسفبار که در حوزه‌های مختلف از جمله فقر گریبانش را گرفته بود، مسیر توسعه را تا به امروز طی کرد تا به دومین قدرت اقتصادی، نخستین کشور تولید کننده، اولین کشور به لحاظ تجارت کالا، دومین مصرف‌کننده کالا، دومین کشور به لحاظ سرمایه‌گذاری خارجی و نخستین کشور به جهت ذخایر ارزی در جهان کنونی تبدیل شود. امروز تولید محصولات کشاورزی شاخص در چین به وضوح در بالاترین سطح دنیا قرار دارد و ما توانسته‌ایم کاملترین ساختار مدرن و جامع را در حوزه صنعت محقق کرده و در عین حال در حوزه فناوری و نوآوری‌ها علاوه بر آن در زمینه اجرای برنامه‌های زیرساختی به دستاوردهای قابل توجه و مشهودی دست‌یابیم.

با مرور تاریخ معاصر و بررسی تحولات تاریخی، می‌توان شاهد این حقیقت بود که قدرت‌های سرمایه‌داری غربی عموماً پیشرفت و توسعه خود را مرهون دو امر استثمار داخلی و غارت خارجی بوده‌اند. تعداد کمی از کشورهای در حال توسعه نیز البته با طی کردن مسیر سرمایه داری، توانستند رشد سریع اقتصادی را در برهه‌هایی تجربه کنند اما با معضلاتی جدی از جمله دوقطبی شدن جامعه، تضادهای اجتماعی و وخامت اوضاع در حوزه‌های مختلف مواجه شدند.

۷۰ سال قبل، طی هر دو مسیر یادشده برای چین به‌عنوان کشوری که در عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی دچار عقب ماندگی بود، به هیچ وجه هموار نبود. چیزی که احتیاج به آن حس می‌شد لزوم تغییر در وضعیت فقر و ضعفی بود که کشور را فراگرفته بود، جامعه با سرنوشت غم انگیز فشارهای داخلی و خارجی دست و پنجه نرم می‌کرد و لزوم احیای مجدد ملی بیش از هر زمانی به چشم می‌آمد تا کشور به کشوری غنی و مردم به مردمی با آینده روشن و مبارک مبدل شوند، حقیقت این است که هیچ مدل حاضر و آماده‌ای در کار نبود و باید طرحی نو در انداخته و راهی نو در پیش گرفته می‌شد و این راه نو همان مسیر سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی بود.

مسیر سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی، با هدایت حزب کمونیست چین، منافع ملی را مبنای حرکت خود قرار داده و با تعیین سازندگی اقتصادی به‌عنوان هدف مرکزی و پیگیری جدی سیاست اصلاحات و درهای باز، رهاسازی و توسعه در حوزه قدرت تولید جامعه را پیگیری کرده و از رهگذر این رویکرد چارچوب‌های سوسیالیسم را مستحکم و بهبود بخشیده است. چین با این نگاه در راستای تحقق گام‌به‌گام رفاه برای تمام اقشار جامعه و ایجاد یک جامعه سوسیالیستی قدرتمند، مردم سالار، با فرهنگ، هماهنگ، مرفه و زیبا اقدام کرده است.

شی جین‌پینگ، رهبر چین نیز به این موضوع اشاره داشته که چین نه در پی تقلید از الگوهای غربی و وارد کردن آنها بوده و نه به‌دنبال صادر کردن الگوهای چینی؛ بر همین اساس چین در پی کپی‌برداری کشورهای دیگر از الگوهای داخلی‌اش نیز نبوده است. ما همواره بر این باور بوده‌ایم که مسیر توسعه هر کشوری باید متناسب با شرایط همان کشور هدفگذاری و تعیین گردد. «الگوی چینی» برای توسعه نیز مسیری است که مردم چین در راه تحقق سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی و در پی مبارزات و تلاش‌های خستگی‌ناپذیرشان در آن گام برداشته‌اند. ما اطمینان داریم که در سایه توسعه بی‌وقفه سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی، ساختارهای ما روزبه‌روز پخته‌تر می‌شوند و کارآمدی آن روشن‌تر، به اعتقاد ما به هر میزان که مسیر ما عریض‌تر و حرکت‌مان گسترده‌تر باشد طبعاً تأثیرات روند توسعه در چین بر جهان نیز به همان میزان گسترش خواهد یافت.

■ مائوزه دونگ، رئیس جمهوری فقید چین در سال ۱۹۷۶ از دنیا رفت و همزمان با بازگشت دنگ شیائو پینگ، اصلاحات اقتصادی به مهم‌ترین رسالت رهبران چین و اصلی‌ترین موضوع مورد توجه آنها مبدل شد. نقطه آغاز اصلاحات روند توسعه اقتصادی چین چه بود؟ در آن ایام و در سایه توسعه اقتصادی چین، کشور چه تغییراتی را تجربه کرد؟ از عمده‌ترین عواملی که تعدیل اساسی سیاست‌های آن روز چین و اصلاحات اقتصادی را در پی داشت به چه مواردی می‌توان اشاره کرد؟ سیاست اصلاحات و درهای باز چین بیشتر بر چه مواردی متمرکز بود؟ اصلی‌ترین اهداف توسعه اقتصادی چیست؟ و سیاست اصلاحات و درهای باز در مجموع چه دستاوردهایی را در پی داشته است؟

در روند توسعه چین نو، دو دوره پیش و پس از سیاست اصلاحات و درهای باز وجود دارد، این دو دوره، در واقع دو دوره مرتبط به هم و در عین حال کاملاً متفاوت از یکدیگر هستند، البته هر دو دوره فرآیندی بوده که مردم چین تحت هدایت حزب کمونیست و در مسیر تحقق سوسیالیسم طی کرده‌اند. اگر نبود سیاست اصلاحات و درهای باز سال ۱۹۷۸، قاعدتاً تحقق هر دو امر اصلاحات و درهای باز نیز در آینده چین متصور نبود و طبعاً روند توسعه در چین نیز دستاوردهای بزرگ امروز را نمی داشت. همزمان، اگر نبود رخداد تأسیس چین جدید در سال ۱۹۴۹ تا در سایه آن روند انقلاب سوسیالیستی و تحقق آن آغاز گردد و ایده‌های اساسی در سه حوزه عقیدتی، مادی و ساختاری پیگیری گردد و مجموعه‌ای از تجربیات متناقض به‌دست آید، طبعاً تحقق کلیت اصلاحات و درهای باز نیز به سختی قابل تصور می‌شد.

۴۱ سال قبل، کنگره سراسری حزب کمونیست چین در نشست با تصویب مواردی چون تعیین ساختن اقتصاد به‌عنوان هدف مرکزی کشور و عملیاتی‌سازی سیاست اصلاحات و درهای باز، حرکتی تاریخی در حوزه سیاستگذاری انجام داد و در واقع تحولی اساسی و بنیادین را در چین آغاز کرد و مردم چین نیز با سرلوحه قرار دادن این سیاست اساسی، در حوزه توسعه و اقتصاد کشور صفحات درخشانی را رقم زدند. در نتیجه این تحولات میزان تولید ناخالص داخلی چین از رقم ۳۶۷۰۹ میلیارد یوان به ۹۰ تریلیون یوان در سال ۲۰۱۸ افزایش یافته و تقریباً ۱۶ درصد اقتصاد جهان را از آن خود کرده است، این در حالی است که چین با متوسط رشد سالانه ۹.۴ درصد، جایگاهی بسیار بالاتر از میانگین رشد سالانه فعلی در اقتصاد جهان که رقم ۲.۹ درصد است را دارا است.

طی ۴۱ سال اخیر، حجم کلی واردات و صادرات کالاهای چینی به میزان ۱۹۸ برابر افزایش یافته و میزان رشد حجم کلی خدمات تجاری در حوزه‌های واردات و صادرات رشدی ۱۴۷ برابری را تجربه کرده است؛ در همین حال میزان سرمایه‌گذاری ما در خارج کشور شاهد جهشی از رقم صفر به ۱۰۰ میلیارد دلار بوده و در این فرآیند چین به شریک تجاری بیش از ۱۳۰ کشور جهان تبدیل شده است. در عین حال امروز چین دومین جایگاه در بین کشورهای بزرگ اقتصادی دنیا را از آن خود کرده و در مجموع شاهد جهشی تاریخی در حوزه‌های قدرت ملی و نفوذ بین‌المللی بوده است. از سوی دیگر باید اشاره کنم که در سال‌های اخیر، میزان سهم چین در فرآیند رشد اقتصادی جهان، از رقم ۳۰ درصد فراتر رفته و امروز چین در مسیری رو به رشد به یکی از منابع اصلی در رشد اقتصادی جهان و لنگری برای ثبات آن مبدل شده است.

امروز، سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی به دورانی تازه پا گذاشته و ملت چین در سایه اندیشه سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی شی جین پینگ در حوزه دوران جدید سوسیالیسم چینی، نه تنها به تعمیق روند اصلاحات و گسترش فرآیند درهای باز مشغول شده‌اند، بلکه در راستای تحقق رؤیای چینی بازیابی جهت احیای ملت عظیم چین و مجدانه تلاش و کوشش می‌کنند.

تعمیق همه جانبه روند اصلاحات نه تنها در حوزه اصلاحات اقتصادی که بهبود اوضاع بازار اقتصاد سوسیالیستی را نیز فراهم می آورد، تعالی ساختار سیاسی سوسیالیسم را نیز در بر دارد، موجب پیشبرد اصلاحات و تعمیق آن در حوزه‌های فرهنگی می‌گردد و اصلاحات در نوآوری ساختارهای اجتماعی و زیست محیطی، دفاعی، نظامی و در کل مجموعه‌ای جامع از ساختارهای حزب کمونیست چین را موجب خواهد شد.

با ورود به عصر جدید که ذکر آن رفت، درهای چین هر روز بیش از دیروز بازتر می‌شود. به‌عنوان دومین اقتصاد دنیا، چین آغوش خود را بیش از گذشته باز کرده و از تمام کشورهایی که مایل باشند برای سوار شدن بر قطار سریع السیر توسعه در چین و حضور در این مسیر دعوت می‌کند، تا از این طریق حمایت خود را از روند جهانی شدن اقتصاد اعلام کرده و ضمن حفاظت از چندجانبه‌گرایی در عرصه تجارت بین‌الملل، در حوزه تحقق جهانی با اقتصاد باز ایفای نقش کنند. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۱۸، چین تدابیر گسترده و عظیمی را در این حوزه‌ها مطرح کرد، از جمله کاهش قابل توجه رقم تعرفه‌های اقتصادی و در گام بعد گسترش دسترسی به بازارها در فرآیندی گام به گام، سپس گسترش ساختارهای مالی و سرمایه‌گذاری و تأکید بر تداوم ارائه خدمات آزاد؛ در همین راستا، چین نخستین گردهمایی با محوریت واردات را در سطح کشوری برگزار کرد تا از رهگذر چنین گامی، یکی پس از دیگری خدمات مفید چین آزاد را به جهانیان عرضه کند.

■ طی ۴۰ سال اخیر، چین همزمان با تأکید همه جانبه بر توسعه اقتصادی، از هویت ملی و مباحث فرهنگی نیز حراست کرده است. چین چگونه توانسته چنین هدفی را محقق کند؟ نخستین رسالت سیاست‌های فرهنگی چین و اصلی‌ترین اهداف آن چیست؟ در نظر چینیان، مهم‌ترین ویژگی فرهنگ چینی از چه قرار است؟

اصل هماهنگی در فرهنگ چینی یکی از اصول مهم و والا محسوب می‌شود. فرهنگ «صلح و هماهنگی» در چین فرهنگی به درازای تاریخ است که بر مبنای آن جهان بینی اتحاد و هماهنگی بین انسان و آسمان مطرح شده، همراهی و همکاری دولت‌های مختلف را در فضای خارجی طرح کرده و بر لزوم صلح و آرامش در مناسبات جوامع مختلف با یکدیگر و علاوه بر آن مسأله اخلاق و انسانیت میان انسان‌ها تأکید کرده است. در جریان توسعه بیش از ۵۰۰۰ سال تمدن، ملت چین همواره در جست‌وجوی صلح و در پی هماهنگی و نوعی هارمونی بوده‌اند.

بر صدر نشاندن صلح و هماهنگی، با انسان‌های دیگر به نیکی رفتار کردن و نخواستن چیزهایی که برای خود نمی‌خواهیم برای دیگران نیز نخواستن و این موارد همگی از جمله ایده آل‌هایی بوده که طی سال‌های متمادی بین چینیان سینه به سینه منتقل و نهایتاً تا اعماق وجود مردم چین ریشه دوانده است. هماهنگی و هارمونی بین جامعه و طبیعت، بین یک فرد با جامعه نیز از آن مواردی است که به ایده آل‌های مردم ما تبدیل شده و در واقع قدرت ملی ما و توانایی نوآوری و ساختنی که در مردم ما وجود دارد نیز بر چنین مبنایی استوار گشته است.

فرهنگ یکی از مبانی مهم توسعه و البته بقای یک ملت محسوب می‌شود. هر بار که جهشی در حوزه اجتماعی برای انسان رخ می دهد و هر بار که تمدن بشری تعالی می‌یابد، فرهنگ نیز توسعه و پیشرفتی تاریخی را تجربه می‌کند. در تاریخ چندین گاه بی‌دلیل همسوی باد نشده، این ملت سال‌های سال دشواری‌های بی‌پایانی را تحمل کرده اما همواره ایستاده و به پیش رفته، حرکت کرده و به جلو آمده است، یکی از دلایل بنیادین تداوم چنین حرکتی، شیوه آموزشی و ساختار تربیتی ویژه‌ای است که در پهنه گسترده فرهنگ با عظمت چین موجود بوده و کودکان چینی در حوزه‌های پرورشی از آن بهره‌مند بوده‌اند و همین مسأله نیز موجب شده که در فرآیند رفت و آمد نسل‌های مختلف، قدرت سازگاری و تحمل عظیمی در این ملت وجود داشته باشد.

فرهنگ در واقع روح یک کشور و یک ملت است. اگر فرهنگ یک کشور پیشرو باشد، جنبش در آن کشور پیشرو خواهد بود و هر قدر که فرهنگ یک ملت قوی‌تر باشد، آن ملت قدرتمندتر خواهند بود. اگر کشوری یا ملتی خودباوری فرهنگی قابل توجهی نداشته باشند، طبعاً شکوفایی فرهنگی و عظمت پس از آن نیز محقق نخواهد شد، اگر این‌ها نبودند هیچ گاه ملت چین نیز در پی احیای تاریخی شان برنمی آمدند. چین بر حرکت خود در مسیر سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی در حوزه فرهنگ تأکید دارد و از رهگذر همین است که خلاقیت و نوآوری ملی را پیگیری کرده و در نهایت یک قدرت فرهنگی سوسیالیستی را ایجاد کرده است.

دولت مرکزی و ملت چین به‌طور قاطع از دستگاه قضایی و نیروهای انتظامی در هنگ کنگ حمایت می‌کنند تا ضمن اجرای قاطعانه قانون و مقابله با قانون شکنان، مجرمین را بازداشت و به میز محاکمه بکشاند. همزمان با این مسأله، ما شاهد دخالت آشکار در امور داخلی چین و هنگ کنگ آن هم با خشونتی عریان از سوی برخی کشورهای غربی هستیم که همچنان در فضای جنگ سرد به سر می‌برند و به اندیشه‌های هژمونیسم و صفرو یک دلخوشند که البته چین در موضعی قاطع نارضایتی و مخالفت شدید با این روند را ابراز کرده است. در حال حاضر ۲۲ سال از الحاق مجدد هنگ کنگ به کشور چین می گذرد و تمام این ایام دولت مرکزی چین از چارچوب‌های «یک کشور، دو ساختار» و «اداره هنگ کنگ به‌دست اهالی هنگ کنگ» حمایت کرده و علاوه بر آن بر اصل درجه بالای خودمختاری سیاسی پایبند بوده و به طور کامل از قانون اساسی مکتوب در این حوزه تبعیت می کند.

حاکمیت قانون، یکی از ارزش‌های بنیادینی است که مردم هنگ کنگ همواره به آن افتخار کرده‌اند و البته همین مسأله هم سنگ بنای شکوفایی و ثبات در این منطقه بوده است. چنین اصلی را نمی‌توان براحتی زیرپا گذاشت و در عین حال نیز نمی‌توان براحتی اجازه داد که از سوی هیچ نیروی خارجی از بین برود! هنگ کنگ، هنگ کنگ چین است و امورات آن نیز به‌طور کامل جزئی از مسائل داخلی چین محسوب می‌شود. من به مقاله‌ای که جناب آقای ظریف، وزیر خارجه ایران در رسانه‌های چینی به چاپ رساندند توجه داشتم که در آن ضمن حمایت از اصل چین واحد، دستاوردهای سیستم یک کشور دو ساختار مورد ستایش قرار گرفته و بر مخالفت قاطع ایران با دخالت‌های خارجی در امور داخلی چین تأکید شده بود. سخنگوی وزارت امور خارجه ایران هم که دخالت و تحریکات امریکا، بریتانیا و دیگر کشورها در مسائل تایوان، هنگ کنگ و مسائل مشابه را محکوم کرده است.

ما بواسطه مواضعی که ذکر آن رفت از ایران قدردانی می‌کنیم و اطمینان داریم که جامعه جهانی قطعاً ضمن درک شرایط چین در هنگ کنگ، به حمایت از تدابیر و اقدامات دولت مرکزی چین در این رابطه خواهد پرداخت. فردای هنگ کنگ قطعاً بهتر خواهد بود!

مسأله شین جیانگ مسأله‌ای مربوط به حق حاکمیت، امنیت و تمامیت ارضی چین است. درباره موضوع شین جیانگ، دولت و ملت چین بیش از هر فرد دیگری حق سخن گفتن دارند و در این زمینه دخالت هیچ دولت یا طرف خارجی قابل قبول نیست. در مواجهه با تهدیدات واقعی تروریسم و افراط‌گرایی شین جیانگ در فرآیندی مبتنی بر واقعیات جاری منطقه، به‌طور عمیق فرآیند مبارزه با تروریسم را در پیش گرفته و درگیر نبرد با افراط‌گرایی است. تدابیر جاری در شین جیانگ در حوزه مبارزه با تروریسم، به‌طور کامل در چارچوب‌های قانونی پیگیری می‌شود و این فرآیند به‌گونه‌ای دقیق منعکس‌کننده رویه عادلانه‌ای است که در جریان آن ضمن تضمین برنامه‌های روزمره و مذهبی گروه‌های مردم، حمایت از حقوق اساسی آنان نیز در دستور کار قرار دارد.

واقعیت این است که شین جیانگ اهمیت زیادی برای اجرای قانون قائل است و در این حوزه با تمرکز بر بهبود شرایط معیشتی مردم، آموزش‌های قانونی و تدابیر تبلیغاتی، مطابق با قانون مراکزی برای آموزش مهارت‌های تخصصی ایجاد شده که در روند آموزش‌های اصولی و مسیر نابودی تروریسم نقش شایانی را ایفا می‌کنند و تأثیرگذارند. در حال حاضر بیش از دو سال است که در شین جیانگ هیچ گونه عملیات تروریستی رخ نداده، اوضاع اجتماعی شاهد وضعیتی باثبات است و اتحاد قومیت‌ها محقق شده، مردم با آرامش به امورات و کسب و کارشان مشغول‌اند و تمام اقوام خوشبختی، امنیت و رشدی در ابعاد قابل توجه را احساس می‌کنند و بر همین اساس هم صمیمانه قدردان ابتکارات و سیاست‌های دولت در این حوزه هستند.

چین در حال حاضر از گروه‌های زیادی از دیپلمات‌ها، رسانه‌ها، متخصصان و دیگر اقشار کشورهای مختلف برای بررسی و مشاهده وضعیت شین جیانگ از نزدیک دعوت کرده تا ببینند و با چشمان خودشان حقایق این منطقه را ببینند. خانم هاشمی، خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران هم یکی از این مدعوین بودند که به شین جیانگ سفر کردند و گزارشی هم با عنوان «تلاش‌های دولت چین برای تحقق توسعه در منطقه شین جیانگ» به تحریر در آورده و به طور جزئی به تشریح تلاش‌های دولت چین در حوزه توسعه منطقه شین جیانگ، حفظ اتحاد اقوام و تضمین سعادت مردم در این حوزه پرداختند. ما از تمام دوستان خارجی که نگاهی همراه با انصاف و عدالت دارند، دعوت می‌کنیم که به شین جیانگ سفر کنند و شرایط آنجا را از نزدیک ببینند.

ادامه در صفحه بعد